نصیرمهرین

سیرهاشمی، افتخار ما است

مگذر از کسب هنر صائب که از راه هنر
می گذارد شاه را شهباز پا بر روی دست

در بارۀ عزیزی مینگارم که برگردن من و ما، حق بسیار دارد. عزیزی که دارندۀ زنده گی چند بُعدی است. شهرت نیکوی وی را در جوانی اش همه فرهنگیان، هنرمندان وهنردوستان شاهد میباشند.

سخن از سیرجان هاشمی است. جوان دوست داشتنی، مؤدب، فعال و متواضع که کلک های هنر آفرینش در روی صفحۀ طبله اعجاب می آفریند و تحسین بسیار.

سیرهاشمی درسال (1360 خورشیدی 1981 .ع)، درشهرکابل در خانوادۀ فرهنگدوست وهنرپروری های مادر ارجمند اش، روانشاد بانوناهید هاشمی زاده شده است. هنوز کودک بود که با دیدن پارچه های هنری و مشاهدۀ دست های طبله نوازان، احساس کرده است که دل و دست هایش آرزو دارند، طبله بنوازد. مادرهنرپرور، بانوناهید هاشمی، پدر گرانقدراش جناب هاشمی، کاکای مهربان وی فرید هاشمی، به کمک وی شتافته، زمینۀ برآورده شدن آرزویش را مساعد می نمایند. هنوز چهارسال دارد که مادرمهربان دست اش را می گیرد و وی را به سوی کورس هندی های طبله نواز که در مسیر

دارالامان ودر مجاورت فابریکهٔ حجاری ونجاری قرار داشت، می برد. مدت سه ماه در آنجا مقدمات آموزس طبله را فرا می گیرد. بعد نزد استاد ولی که از طبله نوازهای مطرح بود، در شهرنو کابل به شاگردی می نشیند. فرا گیری طبله در آن سن سال چنان به ثمر می نشیند که به خواهش و رهنمایی استاد خویش، استاد ولی، برای نخستین بار در سال 1987 د رنواختن دوپارچه مرحوم استاد هماهنگ را همراهی می کند.

وقتی پای هجرت تحمیلی درمیان می آید، سیرهاشمی که هنوز 9(نه) سال داشت، همراه با خانواده به سوی هندوستان میروند. آشکارا است که در آنجا گل ذوق هنرجویی و پرورش استعدادها بهتر به شگوفه می نشیند. سیرجان به زودی به سوی استادان طبله و کورس های فراگیری طبله رهنمای میشود. در دهلی زیر نظر استاد ....Fa سعی در فراگیری واموختن بیشتر طبله نموده، به تمرین منظم و پیهم می پردازد و درکنار آن درس میخواند.

سیرهاشمی همراه با ظاهر هویدا

پس از پناهنده شدن خانواده درهامبورگ، در حالی که میتوانست، مستقل طبله بنوازد و اساسات آنرا فراگرفته است، اما فرصت را از دست نداده به منظورآموختن بیشتر، سراغ استادان طبله را

درهامبورگ می گیرد. در نتیجه نخست زیر نظر سواپان بته چاریاSwapan bhattacharia و بعد از آشنایی با استاد ذاکر حسین Ustad Zakir Hussain، زیر نظراستادان پندت آنندو چترجی Pandit anindo chatterjee و پندت کماربوش Pandit Kummar Bosh به آموختن هرچه بیشتر طبله مشغول می شود.

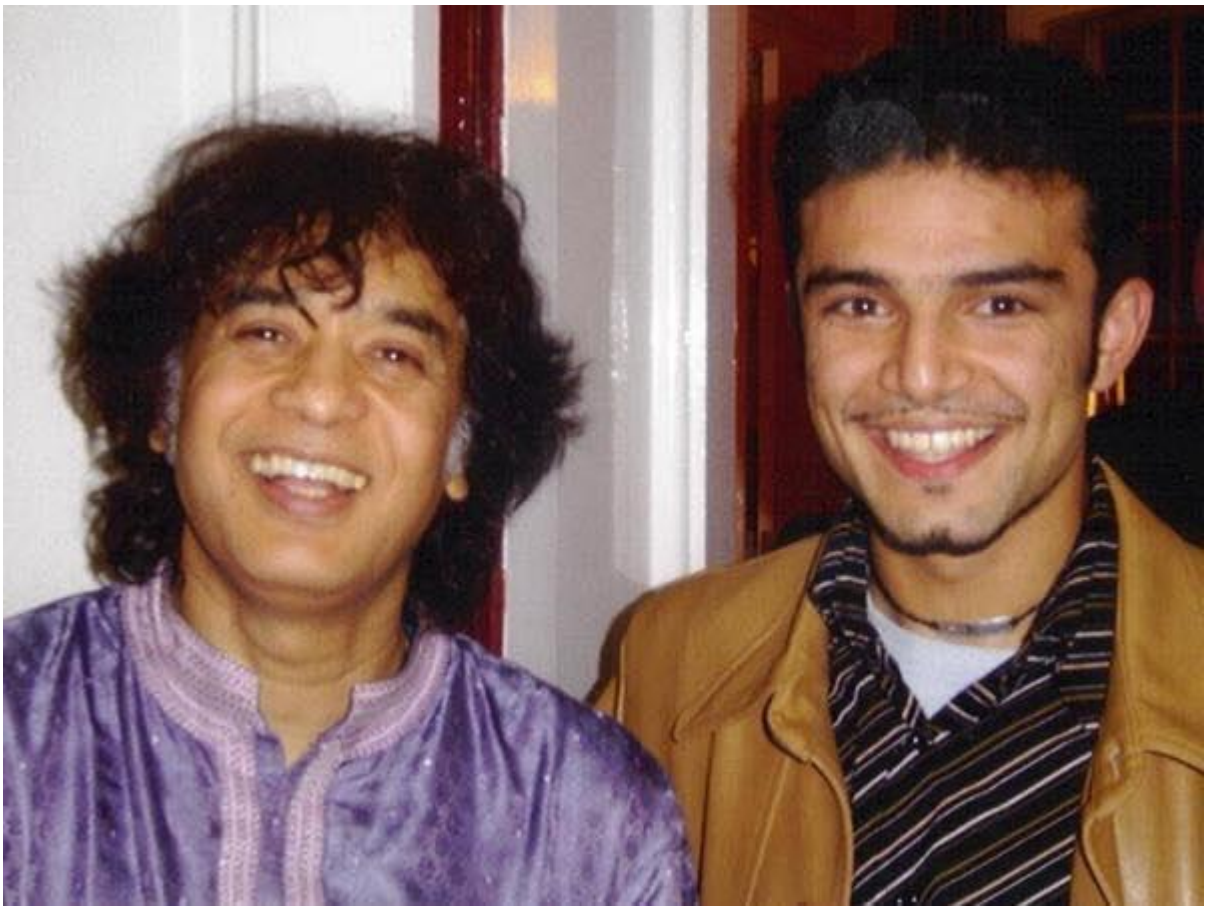

همراه با استاد ذاکر حسین طبله نوازی که شهرت جهانی دارد

در این فرصت دسترسی و موفقیت وی برای نواختن طبله به جایی رسیده است که در نخستین کنسرت هنرمند گرامی حیدرسلیم در سال 1992 در هامبورگ او را در نواختن طبله همراهی می نماید. در واقع این کنسرت دومین سهمگیری وی بعد از همراهی با استاد هماهنگ با یک هنرمند آواز خوان بود که تا پایان کنسرت ادامه یافته است.

با اعضای اسامبل کابل. از راست: عثمان آرمان، استاد آرمان، خالد آرمان و مشعل آرمان

همراه با احمد ولی

با استاد غلام علی خان

از آن به بعد هنرمندان بسیاری به سوی وی مراجعه نموده وخواهان نواختن طبله با انگشت های وی شده اند. کنسرتی را که استاد فتح علی خان در موزیک هاووس هامبورگ داد و سیرجان وی را در طبله همراهی می نمود، نگارنده شاهد بودم که آن زنده یاد چندین بار با تحسین به سوی وی دید و با آن هم بسنده نکرد، در تحسین وتمجید وی صحبت کرد و از دورنمای رشد وی سخن گفت.

همکاری های وی با هنرمندان هموطن وخارجی که طی بیش از بیست کنسرت ادامه یافت به آوازهٔ نام و محبوبیت اش افزود.

همراه با خالد آرمان

این بود که با مهاجرت استاد محمد حسین ارمان در سوئیس و ایجاد گروه هنری اسامبل کابل که جناب خالد آرمان از هنرمندان و آهگسازان نامدار در آن نقش پیشگامی داشته ودارد، سیرجان در بخش نواختن طبله عضو آن گروه شد که هنوز همکاری وی ادامه دارد. در چارچوب این همکاری، در حدود 60 (شصت) کنسرت اسامبل کابل که در پنج قاره دایر شده ودر معرفی افغانستان وهنرموسیقی گام ارزشمندی برداشته است، وی طبله نواخته است. از پنج قاره یاد نمودیم، آری در امریکا، آسترالیا، کشورهای افریقایی، اروپایی، اسیایی به شمول جنوب شرق اسیا، اسامبل کابل را با طبله همراهی نموده است. همچنان در فستیوال های جهانی با هنرمند گرامی همایون سخی طبله نواخته است.

در کنار طبله، در فراگیری و نواختن زیربغلی چنان توفیق حاصل نمود که بارها در کنار هنرمندان مهم جهانی با زیربغلی حضور رسانیده است.

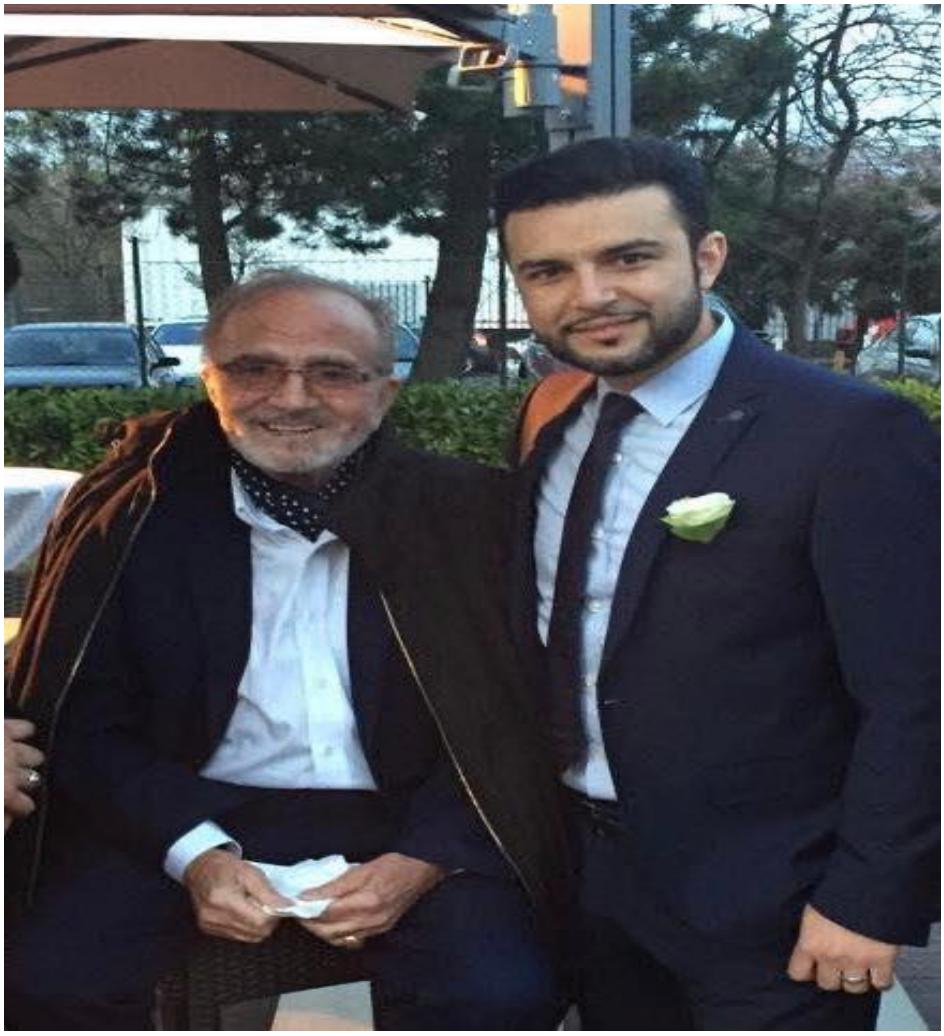

با استاد محمد حسین آرمان

هنگامی که از سیرجان هاشمی در زمینهٔ خاطرات وی از این همه سهمگیری هنری و مسافرت ها جویا شدم، با رفتار بسیار صمیمت آمیز و وقار خاص، گفت:

" خاطراتم همه خوب ومثبت بوده، شکر خداوند که همه به خوبی گذشته وهیچ مشکلی نداشته وندیده ام."

*

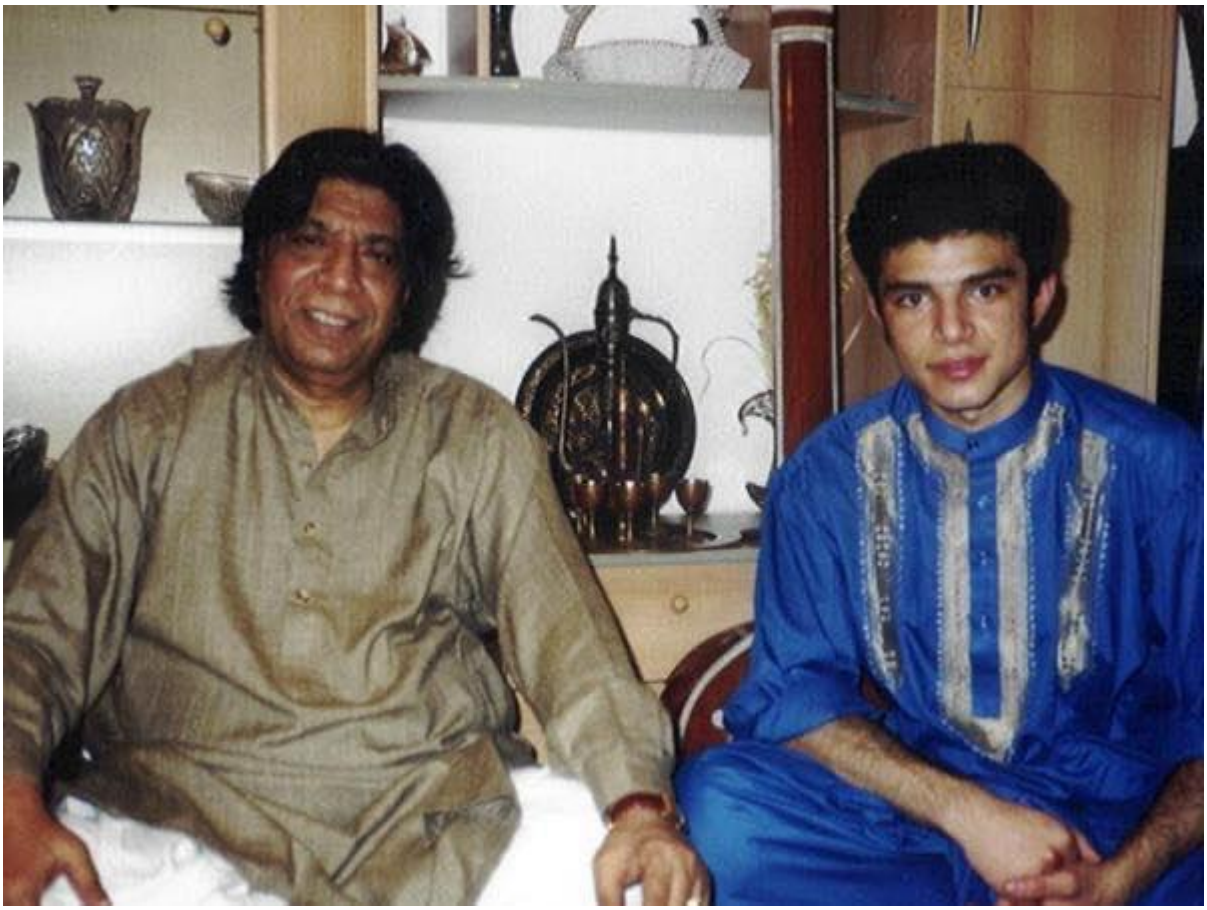

با استاد فتح علی خان

همراه با لیلا فروهر

تا اینجا از فراگیری و فرازآمدن وی در حوزۀ نواختن طبله گفتیم، شایان یادآوری است که در نواختن هارمونیه، دهل، زیربغلی و دایره، دسترسی چشمگیر وتحسین انگیز دارد. در پیوند با چند بُعدی بودن زنده گی وی دو مورد دیگر سزاوار توجه اند:

1- تلاوت قرآن مجید را نیز در کودکی در دارالحفاظ کابل فرا گرفته است.
2- دروس صنوف ابتدایی را تا هنگامی که خانوادۀ گرامی هاشمی در کابل بودند، در مکتب استقلال خوانده است. در هامبورگ، مکتب را به پایان رسانیده و دورۀ دانشگاهی را در رشتۀ مهندسی ساختمان در سال 2010 به پایان رسانیده که در همان رشته دارای کار است.

همراه با پندیت هریپرساد و پندیت کومار بوش

3- با این همه مشغولیت، برای آموزش نواختن طبله علاقمندان را با جبین باز می پذیرد. در این راستا شایان یادآوری است که برادرکوچک اش مسعود جان هاشمی در پرتو رهنمایی های سیرهاشمی و پشتکار واستعداد خودش، امروز یکی از نوازنده گان بسیارمطرح و پردرخشش طبله است.

سیرجان هاشمی متأهل و دارای دو فرزند است. فضای گرم و دوستانهٔ خانواده گی را که همسرعزیز وی مساعد نموده، سبب شده است که بهتر به همهٔ امور زنده گی برسد. سیرجان مانند سایرعزیزانی که دنیای اندوه آمیز پدر، ناشی از مرگ نا به هنگام مادر را درمی یابند، با دیدارهای همیشه گی در کنار برادران خویش، تسلای دل رنجور پدر نیز است.

همراه با استاد الطاف حسین سرآهنگ

این یادآوری را نیز بیاورم که در آغاز گفتم، وی حقی بر من وما دارد. وقتی محفل فرهنگی- هنری در شهر هامبورگ داشته ایم ومن برای وی تلفونی از داشتن وقت وامکان صحبت کرده و خواهش سهمگیری اش را در نواختن طبله کرده ام، با پاسخ صمیمانهٔ وی مواجه شده ام. سهمگیری یی که همیشه افتخاری بوده و با شکیبایی هنرمندان وحتا عزیزان تازه کار را بدون آوردن چینی برجبین، همراهی نموده است. رفتاری که به دامنه وژرفای احترام به وی افزوده است.

همراه با همایون سخی

همراه با فرهاد شمس، نجیم نوابی و ولید اعتمادی

باری که استاد آرمان و چند هنرمند شناخته شدۀ کشور آواز خواندند و سیرجان هاشمی در نواختن طبله آنها را همراهی نمود، نوبت رسید به چند جوان که میتوان ایشان را تازه کارنامید. از آنجایی که سیرجان پیهم وبدون وقفه طبله نواخته بود، آرزو داشتیم که وی نیز تفریح کرده و نواختن آنرا به کس دیگری بسپارد. اما جوانان تازه کار در دل آرزو داشتند، سیرجان با ایشان طبله بنوازد. من شخصا طی یک اشاره برای وی حالی نمودم که اگر میخواهد به نواختن طبله پایان داده و در صف مهمانها بنشید، اما وی هم با اشاره به من رساند که میخواهد ادامه بدهد. در نتیجه خوشنودی چند عزیز را با این بزرگمنشی احترام آمیز حاصل کرد.

"هـــزار سلطنت دلبـری بدان نرســد

که در دلی به هنر، خویش را بگنجانی."

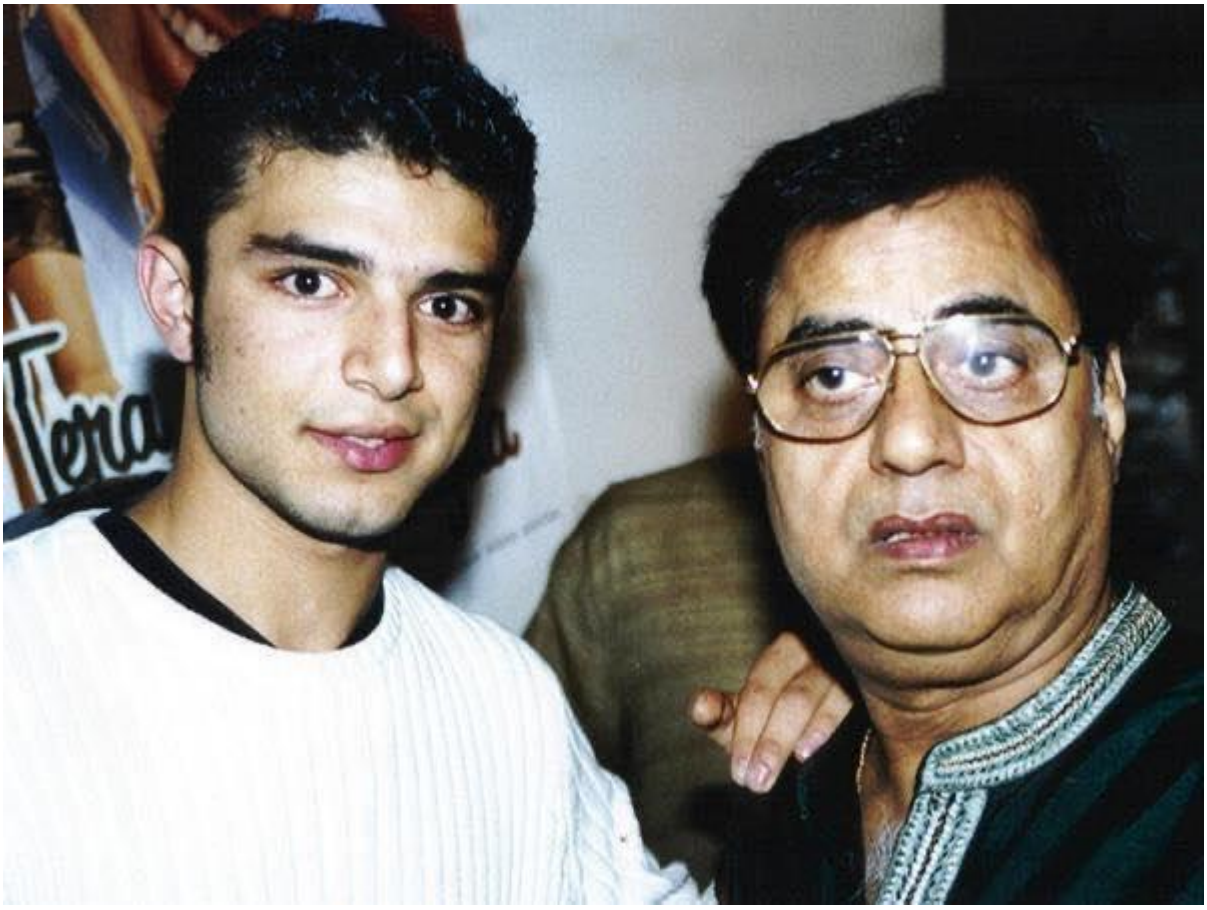

همراه با جگجیت سنگھ

روزی که این موضوع را برای یک تن از دوستان هنرمندشناس وپرخاطره حکایت می نمودم، برایم گفت: شنیده ام که شبی در دهلی، محفلی دایر بود وزنده یاد الله رکا خان، استاد شهیر وبرجستهٔ طبله، دست در طبله داشت. چون کارنواختن چند تن از استادان پایان یافت، نوبت به کسانی رسید که هنوز شهرت بیشترنداشتند. الله رکاخان دست از طبله برنداشت و گفت که خسته نشده ام، این هنرمندان را نیزهمراهی می کنم. اما عاقلان به درستی پی برده بودند که آن استاد شهیر ونامدار، بذرمحبت، تشویق و احترام در دل چند تن دیگر نیز نشاند.

من برای سیرجان از تهٔ دل خوشبختی های بسیارهنری وخانواده گی آرزو می نمایم. درخشنده گی وآفریننده گی وی در نواختن طبله، گمانی برجای نمی ماند که آیندهٔ درخشانتری دارد. اگر طی محافل فرهنگی جز یکدانه گلک ویا دسته گلی برای وی سپرده ام، این سطرها را نیز برگ سبز تحفهٔ درویش برای وی پیشکش کردم.

هامبورگ 2019